

سیدجعفر قادری

مشکلات واژه‌گزینی و اصطلاح‌سازی در تاجیکستان

وقتی که سال ۱۹۲۴ به حکم ضرورت تاریخی اصطلاح «ادبیات تاجیک» به میان آمد، به گفته استاد شکوری ما را از اصطلاح تاریخی «ادبیات فارسی» خیلی دور برد. آنگاه پنداری می‌توانست غالب آید که گویا تاجیکان آسیای میانه همخونان خارجی خود را می‌خواستند از میراث ادبی گرانبها محروم کنند. استاد عینی این نازکی تاریخی-سیاسی را درک کرده، پیش از دیگران دریافت که برای از میان بردن کج‌فهمی‌ها و همچنین برای بر بستن راه اغواگری‌های نو به وجود آوردن اصطلاحی چون «ادبیات فارس-تاجیک» ضرور است.

اصطلاح «ادبیات فارس-تاجیک» چون آیینه‌ای گردید که هم مضمون اصطلاح چندهزارساله «ادبیات فارسی» را انعکاس می‌داد و هم ترکیب نوزاد «ادبیات تاجیک» را هم‌معنای آن می‌نمود، به آن معنی که ادبیات اجداد ما هم ادبیات فارسی است و هم ادبیات تاجیکی، یعنی همه ایرانیان و تاجیکان «در آفرینش ز یک گوهرند» و یک زبان و یک نظام اصطلاحات دارند.

می‌توان گفت که اصطلاح ادبیات فارس - تاجیک در طول سالهای ۱۹۲۴-۲۹ در دست استاد عینی و جمهوری‌سازان هم‌مسلك او واسطه تقدیرسازی بوده است. برای از جمهوری خودمختار به جمهوری اتفاقی تبدیل دادن تاجیکستان.

در این زمینه باید در خصوص ترکیب‌های ادبیات فارسی، ادبیات تاجیک و ادبیات فارس-تاجیک توضیح داد که چه مقام و چه همبستگی دارند. بی‌محابا می‌توان گفت که اصطلاح ادبیات فارس-تاجیک دم‌مسیحایی بود که ما را احیا کرد:

حقا که «دم تیغ است بیدل، ره باریک سخن‌سنجی».

در روستاهای تاجیکستان، جوجه کبک وقتی که از تخم بیرون می‌آید، در بالای نوکش پاره‌ای پوست تخم دارد. در این مرحله عمر آن جوجه را تخم‌نولک می‌نامند. سپس آن کبک جوجه تا دوره کبک شدن مرحله‌هایی را پس سر می‌گذارد که طی این مراحل هشت نام دیگر می‌گیرد: لکک، سوزتتیفک، گردتیفک، سیه‌نولک، کلک، خال گُلن (قَنَجَق)، عروسک و در آخر کبک.

عجب است که دهاتیان (به قول «عالمان» امروزی) بی‌سواد برای یک جوجه ۹ نام مناسب یافته‌اند و این در حالی است که نام یکی از بزرگترین کارخانه‌های تاجیکستان به غلط نامگذاری شده است و خود آن «عالمان» نتوانسته‌اند یک کارخانه بزرگ جمهوری را درست نامگذاری کنند.

این گونه نمونه‌ها دلیل آنند که مسئله انتخاب کلمه یا عبارت اصطلاح مذکور چقدر مهم و در عین حال (به معنای تام کلمه) چه قدر نازک است. باز این مثال‌ها دلیل بر آنند که گفتار و نوشتار طبیعت‌شناسانه بیانگران امروزی ما تا کجاها خراب و نیازمند اصلاح است.

از زمانی که جریان اصطلاح‌گزینی و اصطلاح‌سازی فارسی تاجیکی را روشی عربی‌گرایی نامیدند، بانشان و بی‌نشان چند عصر گذشت. در زمان شوروی ما در کاربرد بسیاری از کلمه‌های حتی خودی هراس داشتیم. سبب این بود که سران ما نه تنها از آیه‌های قرآن مجید، بلکه حتی از دیگر واژه‌های عربی (به معنای تام کلمه) می‌هراسیدند. از واژگان غیرروسی ترسیدن، نوعی بیماری بلشویکی بود.

آری تفکر کمونیستی از کاربرد این نوع واژه‌ها می‌هراسید. همین بوده است که استاد عینی و همزمانان او نام «Союз писателей» را ابتدا «سایوز نویسندگان» و بعداً ترسیده ترسیده «اتفاق نویسندگان» می‌گفتند.

آن وقت‌ها حتی ممکن نبوده است که حرف‌های جفت را در الفبا در پهلوی جفت‌هاشان (مثلاً ه را در کنار خ) بیاروند گویا اینکه این عمل حسن الفبای به زور بارشده سریلیک بر سر ما را کاهش می‌داد.

در دوره استقلال تاجیکستان ممکن نبود فردی (به جز شاعران و نویسندگان) یافت شود که نام خانوادگی خود را به طرز ملی (مثلاً نه سعیداف، بلکه سیدزاده یا سعیدزاده) نویسد و عموماً روا نبوده است که کسی هدف تفکر خویش را آزادانه پیگیری کند...

اکنون که زبان ما از قید و شرط «این طور بکن- آن طور مکن» آزاد گردیده و افزون بر این، خوشبختانه راه داد و ستدهای فرهنگی با همه کشورهای عالم باز شده است، برای ما شرایط فراهم آمده که عمل اصطلاح‌گزینی و اصطلاح‌سازی را در دایره نوامکانات داخلی زبان خود رواج دهیم و به گفته محمد اقبال از گلستان خودی گل بچینیم. یکی از طلبات استقلال کامل نیز همین است.

یک مثال، استقلال با وجودی که به شکل بادآورد به ما رسید، ترس متهم شدن به کهنه‌پرستی را از دلها بیرون کرد. اکنون ما می‌توانیم مانند اجداد خویش از امکانات قدیمی زبان خود، از جمله شکل قدیمی پیشوند ابر را آزادانه به کار بریم و مثلاً superconductor را ابرناقل یا ابرسانا و superconductivity را ابرناقلیت یا ابرسانایی گوئیم.

در مدت چند دهه اخیر سنت اصطلاح‌گزینی تاجیکی با وجود محرومیت و کندگی از فرهنگ‌کده‌های اجدادی، با وجود دخالت‌های سیاسی و استبداد دستگاه ایدئولوژی فرهنگ‌زدایی و زبان‌کُش، حتی با کندی آهستگی، باز هم به آغازگه یک مرحله نظام‌مند اصطلاحات علمی رسید.

فهماست که از آغازگه تا اوج ترقی و تکامل راه دور و دراز است. ما امروز در شرایط استقلال در مرحله‌ای قرار داریم که زبان فارسی تاجیکی علمی را پایدار گردانیم و شکل زمانه‌ای آن را به وجود بیاوریم.

پیداست که زبان عاری از اصطلاحات علمی، هرگز کامل نیست. این نکته را نادیده گرفتن، کوتاه‌نظری می‌باشد. کسی که در این یا آن رشته علمی کار کرده است، باید مستقلانه به این حقیقت مسلم راه یابد که: خلقی که در برابر همه مشکلات کامیاب شده است، اگر زبان علم نداشته باشد، حق ندارد که خود را تکامل یافته نامد.

روشن است که زبان فارسی تاجیکی در پیمودن مرحله احیای زبان علم، مانند هر زبان دیگر به کاربرد واژگان زبانهای گوناگون دنیا (اساساً به معادل‌های اصطلاحات علمی و فنی) نیازمند می‌باشد. در این صورت ما (تاجیکان) نه تنها باید از استفاده واژه‌های اجدادی و نو، بلکه از کاربرد واژگان بیگانه نیز برخوردار باشیم، به شرطی که البته هر واژه پذیرفتنی را با طلبات طبیعی و عادی تطبیق دهیم. شرایط این کار عبارتند از:

۱. استفاده از امکانات ذاتی زبان فارسی تاجیکی؛
۲. ساخت اصطلاح تاجیکی به قیاس گونه خارجی آن.
۳. پذیرفتن اصطلاح خارجی و به روح زبان فارسی تاجیکی سازگار نمودن آن.

اینک مثال‌ها:

برقه: بار الکتریکی (электрический заряд). اصطلاح انگلیسی آن electric charge است. در صورتی که ما ناچار باشیم، برای اصطلاح charge «چارچ»، «بیر»، «بار برقی» یا «بار الکتریکی» می‌توانیم بگوییم. به نظر نگارنده، استفاده از برقه از آن جهت زمینه دارد که این کلمه با هوای اصطلاح‌سازی تاجیکی بنیاد شده، هم کوتاه است و هم زودتر قابل فهم می‌باشد.

اگر کلمه برقه را که بپذیریم، اصطلاح انگلیسی electric charge را می‌توان «ذره برقه‌مند» نامید.

در این زمینه بایستی گفت که بعد از سال ۱۹۴۷ زمانی که فیزیک ذره‌های بنیادی به سرعت پیشرفت کرد و استفاده از اصطلاح‌های lepton number (بار لپتونی)، baryon number (بار باریانی) و مانند اینها به میان آمد، مفهوم number چندپهلوی شد. این را از آن جهت باید مد نظر گرفت که اصطلاح علمی اگر دوپهلوی و چندپهلوی باشد، ناقص شمرده می‌شود.

بسامد (frequency; частота). این واژه زیبا را به عنوان اصطلاح، ما در وقتش در شورای عالمان اداره قاموس شوروی تاجیک همراه با کمیته اصطلاحات پذیرفته بودیم. در آن قاموس و همه کتابهای درسی فیزیک از اواسط سالهای ۷۰ سده ۲۰ به این سو همین واژه استفاده شده است، یعنی این کلمه همچون اصطلاح علمی از دیرباز استفاده می‌شود.

بازبست یخ (regelation of ice; режелация льда). دانش‌واژه regelation در زبان انگلیسی برای بیان معنی پدیده بازبست یخ به میان آمده است. برای معادل‌گزینی تاجیکی regelation of ice تماماً شرط نیست که ما کلمه انگلیسی یا روسی را به کار ببریم و بی‌هیچ گونه هراسی می‌توان همان عبارت تاجیکی بازبست یخ را به کار برد.

وریکپ (varicap; варикап). اصطلاح وریکپ نام دیود نیم‌رسانایی است که در وسایل رادیوالکترونی به عنوان گنجایش (конденсатор) به کار می‌رود. نام وریکپ از جزئیهای vari و cap واژه‌های انگلیسی (vari (able) متغیر) و (cap (acity) گنجایش، ظرفیت) تشکیل شده است. ما نیز آن را وریکپ می‌گوییم، بخصوص از آن رو که درشتی در زبان ندارد و هجای ضربتی آن به زبان تاجیکی نزدیک است.

ولتاژ (voltage; электрическое напряжение). ولتاژ که واژه‌ای انگلیسی است «مقدار نیروی محرک برقی یک مولد بر حسب ولت» می‌باشد. روسها نیز سالهای پیش آن را والتژ می‌گفتند. ولی به مرور زمان در علم فیزیک و گفتار و نوشتار روسی به جای آن اصطلاح «напряжение» معمول گردید.

در زبان تاجیکی تا حال برای بیان این معنی واژه «شدت» به کار می‌رفت. اما وقتی که اصطلاح سیاسی international tension (напряженность международной обстановки) «شدت وضعیت بین‌المللی» وضع گردید، در سالهای پنجاه سده بیست در مورد استفاده از کلمه «شدت» به جای این اصطلاح، در میان سیاستمداران سراسیمگی عارض شد.